

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و دوم ۹۸ / ۰۸ / ۲۶

موضوع: مقایسه مقام علمی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با «خلفاء» (۹)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقيه الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

پیرامون تحریفات سندی در کتب اهل سنت توضیح دهید؟ آیا منبع خاصی دارد؟

پاسخ:

این‌ها تتبع می‌خواهد منبع خاصی ندارد. البته آقای «روستایی» از دوستان ما، شاید بیش از دویست مورد از تحریفات اهل سنت را در کتاب‌هایشان استقصاء کرده است، گمان نمی‌کنم کسی این چنین مفصل استقصاء کرده باشد؛ یعنی تقریباً نزدیک شش - هفت ماه تمام وقتش را گذاشت و موارد زیادی را در روایت‌ها و سندها که اهل سنت در سال‌های اخیر تحریف کرده اند را پیدا کرد. این تحقیق موجود است.

مرحوم «علامه امینی» هم در کتاب «الغدیر» در بعضی جاها بحث تحریفات را دارد. تقریباً ده - پانزده مورد را دارد. مرحوم «علامه عسکری» هم در کتاب «النص والاجتهاد» و همچنین در کتاب «معالم المدرستین» خود، یک تکه‌های را اشاره کرده است؛ اما ندیدم کسی در این زمینه خوب و میدانی کار کرده باشد و به طور کامل استقصاء کرده باشد.

این موردی هست، انسان وقتی روایت را می‌بیند باید برود مصادر دیگر را هم نگاه بکند، این‌ها را باهم مقایسه کند تا ببیند این‌ها چقدر تحریفات دارند، یا جلو و عقب دارند، و یا حذف دارند. البته این‌ها ذاتی خودشان است

شما ببینید «بخاری و مسلم» در يك زمان بودند، استاد و شاگرد هستند یکی متوفای ۲۵۶ است و دیگری متوفای ۲۶۱ است؛ یعنی پنج سال فاصله داشتند.

«مسلم» خیلی از قضایا را شفاف آورده؛ ولی «بخاری» یا از اصل حذف کرده و یا با رمز و رموز آورده است. شما همین روایت: «أَثْمًا، كَاذِبًا، غَادِرًا» که از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بوده و عمر می‌گوید؛ «صحیح مسلم» به صراحت آورده است؛

«فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَا نُورَتْ مَا تَرَكْنَا صَدَقَةً فَرَأَيْتُمَاهُ كَاذِبًا غَادِرًا خَائِنًا... ثُمَّ تُوْفِّي أَبُو بَكْرٍ وَأَنَا وَوَلِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَوَلِيُّ أَبِي بَكْرٍ فَرَأَيْتُمَانِي كَاذِبًا غَادِرًا خَائِنًا»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي؛ ج ۳، ص ۱۳۷۸، ح ۱۷۵۷

ولی «بخاری» این را در دو جا می‌آورد و می‌گوید: «وقال كذا و كذا»؛ یعنی: «أَثْمًا، كَاذِبًا، غَادِرًا» را حذف می‌کند و به جایش می‌گوید: «كذا و كذا» و در يك جا هم اصلا از بیخ حذف کرده است.

این‌ها نشان دهنده این است که ماهیت، يك ماهیت صادقانه نیست که بیایند حقایق را برای مردم مطرح کنند. «ذهبی» هم می‌آید فتوا صادر می‌کند و می‌گوید: "واجب است تمام مطالبی که در مذمت صحابه است، ما این‌ها را از کتاب‌هایمان حذف و محو کنیم"

«وَهَذَا فِيمَا بَأْيَدِينَا وَبَيْنَ عُلَمَائِنَا، فَيَبْغِي طَيْبُهُ وَإِحْفَاؤُهُ، بَلْ إِغْدَامُهُ، لِيَتَصَفَّو الْقُلُوبُ وَتَتَوَفَّرَ عَلَى حُبِّ الصَّحَابَةِ وَالتَّرَضِيِّ عَنْهُمْ، وَكُنْتُمْ ذَلِكَ مُتَعَيِّنِينَ عَنِ الْعَامَّةِ، وَأَحَادِ الْعُلَمَاءِ»

سیر اعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی؛ ج ۱۰، ص ۹۲

اگر این طور است شما بیاید آیات قرآنی هم که در مذمت صحابه است اینها را هم از قرآن حذف کنید.

(إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)

اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید!

سوره حجرات (۴۹): آیه ۶

مال یهودیها و نصارا که نیست! و یا جریان؛

(انْقُضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا)

پراکنده می شوند و به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می کنند

سوره جمعه (۶۲): آیه ۱۱

درباره مسیحی ها که نازل نشده؛ مسیحی ها که در مسجد نیامدند تا نماز جمعه بخوانند و پیامبر که در بالای منبر بود تنها گذاشتند. (وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا) یعنی در حال خواندن خطبه نماز بود که واجب است گوش دادن به آن، و در حد يك دو رکعت نماز است. مثل این است که پیامبر نماز می خواند مردم اقتدا بکنند و وسط نماز، نمازشان را قطع کنند بیرون بروند!

تقریباً ده – پانزده تا آیه است، این‌ها دیگر هیچ راهی ندارند بر این‌که قبول نکنند که این‌ها در ذم صحابه است.

اگر بنا است هرچه علیه صحابه است «فَيُنَبِّغِي طَيْئَهُ وَإِخْفَاؤُهُ» آیات قرآن را می‌خواهند چه کار کنند؟

البته من معتقدم اگر دست‌شان می‌آمد همین آیات را هم در ابتدا جا به جا می‌کردند و حذف می‌کردند؛ ولی

دیدند نمی‌توانند و از دست‌شان ساخته نبود، نه از باب دیانت، بلکه از باب عجز و این‌که نتوانستند انجام بدهند!

پرسش:

در جلسه گذشته فرمودید که غالب روایت کتاب «احتجاج» مرحوم طبرسی سند درست و حسابی ندارند. در

همین زمینه باز ما کتابی داریم مثل همین «تحف العقول» که اصلاً سند ندارد. آیا کتاب‌هایی از این قبیل،

وثاقت خود مؤلف نمی‌تواند برای صحت روایت کمک بکند؟

پاسخ:

نه، آن‌ها از «کلینی» که وثاقت‌شان بالاتر نیست، ما این همه روایت ضعیف در کتاب «کافی» داریم، مرحوم

«بحرانی» در «لولؤة البحرين» می‌گوید از این شانزده هزار و صد و نود و نه روایت «کافی»، نه هزار تای آن

ضعیف است. یعنی در حقیقت سه پنجم روایات کافی را می‌گوید ضعیف است. البته يك مقدار شاید غلو باشد؛

ولی روایات ضعیف در کافی خیلی زیاد است.

پرسش:

آیا ایشان بر طبق مبنای قدما می‌گویند روایات کافی ضعیف است!؟

پاسخ:

نه، بر مبنای متأخرین. قدما مبنای شان با مبنای ما خیلی فرق می‌کند، خیلی از روایت‌های را که ما می‌گوییم ضعیف است آن‌ها می‌گفتند صحیح است. بعد از «شهید ثانی» مصطلحات رجالی درست شده، روایت را به «صحیح»، «ضعیف»، «موثق»، «حسن» این چهار قسم حدیث از «شهید ثانی» به این طرف مطرح شده است. «سید بن طاووس» در سال ۶۶۴ هم در «تحریریه طاوسی» خودش يك اشاره‌ای دارد. البته اگر آن «تحریریه» هم برای خودش باشد.

پرسش:

با توجه که فرمودید رجال، اجتهادی است، این نرم افزار «درایة النور» که روایت را بررسی سندی کرده این را شما قبول دارید؟ و آیا می‌شود در مباحث علمی به آن استناد کرد؟

پاسخ:

در حد نود درصد بله. ده درصد هم اشتباه دارند، حدود بیست درصد هم اجتهاد کرده‌اند. ولی در مجموع خیلی کار خوبی کرده‌اند. الحق والانصاف کار خوبی کرده‌اند و زحماتشان قابل تقدیر است. و الآن هم دارند تکمیل می‌کنند. یعنی اگر می‌گوید «زراره» ثقه است آدرس کتاب را هم دارند می‌دهند. مثل همان کاری که خود ما کردیم. البته کاری که ما کردیم خیلی بالاتر از آن است.

«مجله نور» اخیر يك صفحه در رابطه با ویژگی‌های رجال ما آورده است و تعبیرشان هم این است که کار بی‌نظیری است. آن‌ها که به اصطلاح رقیب هستند تعریف می‌کنند مشخص است که کار خیلی خوب است.

در مورد «کشف الرجال» ما همین آقایان رأی دادند نرم افزار برگزیده سال شد و حال آن‌که ما خودمان قبول نداشتیم، خیلی ناقصی داشت. روی رجال باید خیلی کار کرد، زیرا رجال در بحث‌های علمی حرف اول را می‌زند،

هرکدام از بزرگان ما در رجال قوی هستند در کارهای فقهی هم مقتدرانه وارد میدان می‌شوند؛ یعنی مستدل و مستند حرف می‌زنند.

بعضی‌ها که در رجال خیلی کار نکرده‌اند مشخص است تغییر فتاوایشان زیاد است؛ یعنی هر مرتبه به يك مطلبی بر می‌خورند بعد فتوا عوض می‌شود.

پرسش:

بعضی‌ها اعتراض می‌کنند و می‌گویند شما زیادی در بحث رجال وارد می‌شوید و از متن روایت و فرمایش معصوم غافل هستید.

پاسخ:

بله، ما قبول داریم؛ بعضی وقت‌ها است که خود متن گویای این است که از معصوم صادر شده است؛ ولی نه خیلی عریض و طویل! امام (رضوان الله تعالی علیه) در رابطه با «مصباح الشریعه» که لا شك و لا ریب؛ یعنی انسان پنجاه بار قسم حضرت عباسی می‌خورد این روایت امام صادق نیست و هزار و يك دلیل هم دارد، ایشان می‌گوید متن دلالت می‌کند از معصوم صادر شده است.

به این شکل و به این عریض و طویل خیلی علیه السلام نیست. در خیلی از موارد است که امام به روایت استناد کرده و آقای «خویی» آمده پنبه‌ی روایت را زده است.

دوستان لازم است در رابطه با رجال يك فایل مخصوص به عنوان "مطالب اساسی رجالی" درست کنند. این‌ها در خیلی از جاها به درد ما می‌خورد.

ما یکی از دوستانمان را گذاشتیم الان هفت - هشت ماه است فقط يك پرونده‌ی رجالی که ما نیاز داریم، دارد ترتیب می‌دهد؛ یعنی مثلا می‌خواهم بدانیم «زراره» ثقه یا ضعیف است، این را طبقه بندی کرده که چه کسی گفته و صفحات کتابش کجاست و همچنین دارد از همه آن صفحات تصویر می‌گیرد.

کتاب‌های شیعه که تمام بشود ما به کتاب‌های اهل سنت می‌چسبیم؛ چون بعضی وقت‌ها می‌شود يك روایت هفت - هشت ساعت وقت ما را می‌گیرد. یا بعضا يك ساعت دو ساعت وقت می‌گیرد، این وقت گرفتنی که هیچ ما به ازائی ندارد. فقط آدم دارد این طرف و آن طرف می‌گردد. مطلب اگر آماده باشد خیلی راحت آدم می‌تواند تشخیص بدهد این روایت صحیح است و یا روایت صحیح نیست.

یکی از کارهای که من احساس می‌کنم در آینده خیلی بتوانیم از آن استفاده کنیم همین روش چینش روات است که مطرح می‌شود و نظر بزرگان پیرامون ثقه بودن یا ضعیف بودن او بیان می‌شود. مثلا شما «ابان بن تغلیب» را وقتی جستجو می‌کنید؛ در مورد «ابان ابن تغلیب» دارد: «قال النجاشی عظیم و فلان...» این هم کتابش است که تصویرش را این‌جا گذاشتیم. یا مثلا «شیخ» در «فهرست» چه گفته؟ صفحه فهرستش را این‌جا آوردیم؛ یعنی الان ما حدود هزار چهار صد - پانصد راوی را به این شکلی درست کردیم.

البته هنوز خیلی کار دارد. شما ببینید این فایل فقط ۱۰۱۴ صفحه دارد، نصفش هم آن طرف است؛ یعنی شما حساب کنید ۱۰۱۴ صفحه فقط تصویر گرفته شده و این‌جا گذاشته است، این طرفش را هم ببینید این‌ها یکی یکی تصویر گرفته شده است.

این‌ها واقعا کار می‌برد. چون باید دوستان بگردند تا پیدا کنند که این راوی را چه کسی ترجمه کرده یا چه دارد؟ یا نسخه‌های مختلفی که است کتاب «رجال نجاشی» را جامعه مدرسین چاپ کرده و مؤسسه آل‌البیت هم چاپ کرده؛ آن یکی دو جلدی، این يك جلدی است. «رجال کشی» را يك مرتبه «مشهد» چاپ کرده، يك دفعه هم در «قم - مؤسسه آل‌البیت» چاپ کرده. ما غالبا هر دو آدرس را می‌دهیم.

پرسش:

آیا شهرت «بخاری» به کتاب «صحيح بخارى» مربوط به قرن شش و هفت به بعد است؟!

پاسخ:

ایشان خودش هم صراحت دارد، می‌گوید من می‌خواهم روایات صحيح را انتخاب کنم، خودش روی کتابش اسم «صحيح» گذاشته است. البته ما شاید بیش از صد مورد دروغ‌های «ابن تیمیه» را که ثبت کردیم، می‌گویید این در صحيحین است. در حالی که ما بررسی کردیم دیدیم نیست! یعنی کلمه «صحيحین» را نام می‌برد. یعنی در زمان «ابن تیمیه» معلوم است که صحيحین برای این‌ها عَلَم بوده است. می‌گویید در «صحيحین» وجود دارد. ما بالای صد مورد از دروغ‌های «ابن تیمیه» را این‌طوری در آوردیم.

آغاز بحث...

ما در جلسات گذشته عرض کردیم در رابطه با گرفتن شریعت، دو تا راه داریم. يك راه اهل بیت است و يك راه صحابه است. ما برای اهل بیت مثل «حدیث ثقلین»، مثل «حدیث خلیفتین» و صدها روایت داریم. همچنین آیات مثل: «آیه تطهیر، آیه مباحله و آیه‌ای اولو الامر و...» را داریم همه این‌ها نشانه این است که اهل بیت (علیهم السلام) مرضی خدا بودند و گفتارشان، گفتار خدای عالم است.

در آن طرف هم می‌گویید ما کاری با این‌ها نداریم، آن‌که برای ما ملاک است اقوال صحابه است. یکی از چیزهای که خیلی جالب است و واقعا کل مطلب را روشن کرده، عبارت خلیفه دوم است. ایشان بارها می‌گفت:

«كل الناس أئمة من عمر حتى المخدرات»

شرح المقاصد في علم الكلام؛ اسم المؤلف: سعد الدين مسعود بن عمر بن عبد الله التفتازاني الوفاة:

۷۹۱هـ، دار النشر: دار المعارف النعمانية - باكستان - ۱۴۰۱هـ - ۱۹۸۱م، الطبعة: الأولى، ج ۲، ص ۲۹۴

«كل الناس أفتقه من عمر حتى النساء في البيوت»

كشف الأسرار عن أصول فخر الإسلام البزدوي؛ اسم المؤلف: علاء الدين عبد العزيز بن أحمد البخاري
الوفاة: ٧٣٠هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٨هـ - ١٩٩٧م، تحقيق: عبد الله محمود
محمد عمر ج ٣، ص ٣٤٦

«كل الناس أفتقه من عمر، حتى ربات الرجال»

شرح نهج البلاغة؛ اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد
المدائني الوفاة: ٦٥٥ هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ١٤١٨هـ - ١٩٩٨م، الطبعة:
الأولى، تحقيق: محمد عبد الكريم النمري، ج ١، ص ١١٥

می گوید: حتی زن‌های که در اطاق حجله هستند از من عمر افقه هستند. این قضیه به خاطر این که بحث خیلی جالب بود و وهابی‌ها زیر بار نمی‌روند يك مقدار بیشتر رویش کار کردیم.
عمر يك روزی خطبه‌ای خواند گفت شما در صداق و مهریه زن‌ها، زیاده روی نکنید، من نشنوم کسی بیشتر از آن که رسول اکرم مهریه برای زن‌هایش قرار داده بود، مهریه قرار بدهد.

«فَعَرَضْتُ لَهُ امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالَتْ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»

زنی از خودشان (قبیله خودشان) آمد اعتراض کرد گفت عمر

«لِكِتَابِ اللَّهِ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ قَوْلُكَ؟»

کتاب خدا را قبول کنیم یا حرف تو را

«قَالَ: كِتَابُ اللَّهِ، فَمَا ذَاكَ؟»

کتاب خدا را قبول کنید. مگر چیست؟

«قَالَتْ: نَهَيْتِ النَّاسَ أَنْ يَتَّعَلَّوْا فِي صِدَاقِ النِّسَاءِ، وَاللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: (وَأَتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ

قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا)

«قنطار» در حقیقت به پوست گاو پر از طلا را می‌گویند. این يك معنى است که برای «قنطار» آورده‌اند. معنای دیگر این است که هر «قنطار» يك دوازدهم اوقیه است. هر اوقیه دو هزار بیست و پنج و خرده‌ای گرم است. من حساب کردم دیدم قنطار حدود دو تن و نیم وزنش است؛ یعنی اگر دو تن به وزنش طلا هم مهریه زنان را دادید (فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا)! حق ندارید چیزی از آنها بگیرید.

«فَقَالَ عُمَرُ: كُلُّ أَحَدٍ أَفْقَهُ مِنْ عُمَرَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا ثُمَّ رَجَعَ إِلَى الْمِنْبَرِ فَقَالَ لِلنَّاسِ»

برگشت بالای منبر رفت به مردم گفت:

«إِنِّي كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ أَنْ تَعَالَوْا فِي صِدَاقِ النِّسَاءِ، فَلْيَفْعَلْ رَجُلٌ فِي مَالِهِ مَا بَدَا لَهُ»

هرکس هرچه می‌خواهد مهریه برای زنش قرار بدهد.

جامع الاحادیث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)؛ اسم المؤلف: الحافظ جلال الدين عبد الرحمن

السيوطي الوفاة: ١٩/جمادى الاولى / ٩١١هـ ، دار النشر: ج١٤، ص٢٧٢

«ابن كثير» هم با این که خیلی تلاش دارد که این موارد را حذف کند و یا نیاورد، نقل می‌کند که عمر گفت:

«ما إكثاركم في صداق النساء»

این همه زیاده روی در مهریه برای چیست؟

پیغمبر و اصحابش بیش از چهارصد درهم مهریه زنانشان نکردند. من نشوم کسی بیش از این مهریه زنانشان بکند! زنی از قریش آمد اعتراض کرد. عمر گفت:

« اللهم غفرا كل الناس أفته من عمر »

خدایا از سر تقصیرات من بگذر!

شما این‌ها را داشته باشید. بعضی‌ها توجیهاتی که دارند آن توجیهات را با حرف خود عمر مقایسه کنید. عمر می‌گوید:

« اللهم غفرا كل الناس أفته من عمر ثم رجع فركب المنبر فقال أيها الناس إني كنت نهيتكم أن تزيدوا

النساء في صدقاتهم على أربع مئة درهم »

دوباره بالای منبر رفت گفت:

« فمن شاء أن يعطى من ماله ما أحب »

هر کس هر چه می‌خواهد انجام بدهد!

« ابن کثیر » در ادامه می‌گوید:

« إسناده جيد قوي »

سندش هم خوب و هم قوی است

تفسیر القرآن العظیم؛ اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء الوفاة: ۷۷۴ ، دار

النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۴۶۸

تا فردا اعتراض نکنند که شما روایت‌های ضعیف را می‌آورید. به قول «هاشمی» که می‌گفت شما می‌روید مثل مگس‌ها که می‌روند روی جاهای کثیف می‌نشینند شما هم می‌روید روایات ضعیف هرچه ما داریم آن‌ها را علیه ما می‌آورید. این هم که از «ابن کثیر دمشقی سلفی» متوفای ۷۷۴ و شاگرد «ابن تیمیه» است و می‌گوید این روایت سندش خیلی خوب و قوی هست!

«سخاوی» شاگرد «ذهبی» است، خیلی هم به «ذهبی» ارادت فوق العاده دارد. ایشان هم بعد از نقل روایت، می‌گوید:

«سندہ جید قوی»

المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة، اسم المؤلف: أبو الخير محمد بن عبد الرحمن بن محمد السخاوي، دار النشر: دار الكتاب العربي - بيروت - ۱۴۰۵ هـ ۱۹۸۵م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عثمان الخشت؛ ج ۱، ص ۵۱۲

«ماوردی شافعی» متکلم و فقیه، ایشان هم این مطلب را در کتاب «الحاوی» خودش می‌آورد که عمر گفت:

«كل الناس أفتة من عمر حتى امرأة»

حتى زنها هم از من عمر افته هستند!

الحاوي الكبير؛ اسم المؤلف: علي بن محمد بن حبيب الماوردي البصري الشافعي الوفاة: ۴۵۰، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان - ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض - الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، ج ۹، ص ۳۳۱

این دیگر اعتراف خودش است، چه کار کنیم؟ و به همین شکل «سرخسی» در کتاب «مبسوط» خودش این مطلب را دارد. کتاب «مبسوط» تقریباً «جواهر» حنفی‌ها است؛ یعنی «جواهر الکلام» آن‌ها است. حنفی‌ها

مفصل‌تر از «مبسوط» کتاب فقهی ندارند. ملاک درس خارج‌شان هم «مبسوط» است. «سرخسی» در این کتاب می‌گوید:

«فَقَالَتْ امْرَأَةٌ سَفَعَاءَ الْخَدِينِ أَنْتَ تَقُولُهُ بِرَأْيِكَ أَمْ سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ»

زن گفت: عمر این حرفی که داری می‌زنی رأی خودت است یا از پیغمبر شنیدی؟

«فَإِنَّا نَجِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى بِخِلَافِ مَا تَقُولُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا)»

المبسوط؛ اسم المؤلف: شمس الدين السرخسي الوفاة: ٤٨٣هـ، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، ج ١٠ ص ١٥٢

دیگر ذیلش را هم آقا نیاورده است. باز «عمر بن علی حنبلی» همین تعبیر را می‌آورد که عمر گفت:

«كُلُّ النَّاسِ أَفْقُهُ مِنْكَ يَا عَكْرُ»

اللباب في علوم الكتاب؛ اسم المؤلف: أبو حفص عمر بن علي ابن عادل الدمشقي الحنبلي الوفاة: بعد ٨٨٠ هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م ، الطبعة: الأولى، تحقيق:

الشيخ عادل أحمد عبد الموجود والشيخ علي محمد معوض، ج ٦، ص ٢٦٥

«عكر» يك حرف زشت و فحش است. مثل این که ما می‌گوییم ای آشغال، در اصطلاح ما همچنين حرفی است که می‌گوییم ای آشغال! همچنين حرفی نزن! عرب به کلمه «عكر» آن ته مانده آشغال‌های روغن زیتون را می‌گوید.

معمولا واژه «عكر» يك عبارت و فحش خیلی زشتی در میان عرب‌ها است. وقتی می‌خواهند کسی را بیش از حد تحقیر کنند به او «عكر» می‌گویند. ایشان خودش به خودش «عكر» را می‌گوید.

پرسش:

ما خودمان هم می‌گوییم بهترین زن کسی است که مهریه‌اش کم باشد!

پاسخ:

اگر ما می‌گوییم به عنوان این است که پیغمبر فرمود:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی

اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج ۵، ص ۳۲۴

نه این که بگوییم اگر کسی مهرش را زیاد کرد، پدرش را در می‌آوریم. ایشان دارد تهدید می‌کند و می‌گوید شما همچنین کاری نکنید. قلت المهر دلیل بر حسن قدم زن است و در آن هیچ شک و شبهه‌ی نیست؛ ولی اگر کسی آمد مهری زیادی کرد، آیا کار حرام و خلاف شرع کرده است؟ آیا يك فقيه این را فتوا داده است؟ نه.

این بابا دارد می‌گوید: «لا اسمع»؛ نشنوم. یعنی همان:

«درة عمر أهیب من سيف الحجاج»

تازیانه عمر خطرناکتر و وحشتناکتر از شمشیر حجاج بوده است!

شرح نهج البلاغة؛ اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد

المدائني الوفاة: ٦٥٥ هـ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان - ١٤١٨ هـ - ١٩٩٨ م، الطبعة :

الأولى، تحقیق: محمد عبد الکریم النمري، ج ١، ص ١١٤

قرآن دارد که اگر به این‌ها «قنطار» هم دادید؛ یعنی مال كثير يك تن هم به این‌ها طلا و نقره دادید، حق گرفتن آن را ندارید؛

(وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا)

و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (بعنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید!؟

سوره نساء (۴): آیه ۲۰

ابن قیم هم می‌گوید عمر گفت:

«كُلُّ أَحَدٍ أَفْقَهُ مِنْ عُمَرَ حَتَّى النَّسَاءِ»

إعلام الموقعين عن رب العالمين؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد الزرعي الدمشقي الوفاة: ۷۵۱ هـ، دار النشر: دار الجيل - بيروت - ۱۹۷۳، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، ج ۲، ص ۲۷۱

این هم «ابن قیم» شاگرد «ابن تیمیه» و ناشر افکار او است؛ همه فقها علیه «ابن تیمیه» موضع گرفتند. زندانی شدن او هم به فتوای چهار فقیه و چهار قاضی از چهار مذهب بوده است. لذا «ابن تیمیه» در جامعه متنفر شد. بعد از این‌که «ابن تیمیه» در سال ۷۲۸ در زندان قلعه دمشق مُرد، تنها کسی که در آن دوران تنفر «ابن تیمیه»، از او دفاع کرد «ابن قیم جوزیه» است. دیگران حتی «ابن کثیر» و «ذهبی» هم مثل «ابن قیم» از «ابن تیمیه» تجلیل نمی‌کنند.

«تفتازانی» که قهرمان کلام اهل سنت است باز می‌گوید عمر گفت:

«فقال كل الناس أفتقه من عمر حتى المخدرات»

عزیزان این را دقت کنند:

«والجواب بعد تسليم القصة وعلمه بالحمل والجنون ونهيه على وجه التحريم أن الخطأ في مسألة وأكثر

لا ينافي الاجتهاد ولا يقدر في الإمامة والاعتراف بالنقصان هضم للنفس ودليل على الكمال»

شرح المقاصد في علم الكلام؛ اسم المؤلف: سعد الدين مسعود بن عمر بن عبد الله التفتازاني الوفاة:

٧٩١هـ، دار النشر: دار المعارف النعمانية - باكستان - ١٤٠١هـ - ١٩٨١م، الطبعة: الأولى، ج ٢، ص ٢٩٤

می‌گوید: بعد از این که ما قبول کردیم این قضیه درست است، این که می‌آیند می‌گویند اگر زنی مثلاً جنون پیدا

کرد و مهریه‌اش زیاد بود مهریه‌اش را از او پس بگیرند این که نهی، نهی تحریم یا نهی تنزیه بوده می‌گوید این

کار عمر «ولا يقدر في الإمامة» در امامت عمر ضرری نمی‌زند!!

خود «تفتازانی» در کتاب «مقاصد» و «شرح مقاصد» می‌گوید یکی از شرایط اساسی امام و خلیفه این است که

باید «اعلم الناس بالسنة والكتاب» باشد. یکی از شرایط اساسی امام و خلیفه، «اعلمیت» است. این‌ها ده،

دوازده تا شرط کردند «تفتازانی» از بین این‌ها چهار شرط را برای امام انتخاب کرده است. «افقه الناس، اعلم

الناس، اشجع الناس و اعدل الناس» این سه، چهار تا را ایشان در شرایط امام آورده است.

این‌جا می‌آورد خلیفه از آیه قرآن بی اطلاع است و بعد از قرائت آیه از طرف يك خانم، اعتراف می‌کند: «كل

الناس افقه من عمر» ایشان می‌گوید این به خلافت و امامتش ضرر نمی‌زند!!

«ابن ابی الحدید» هم همین را آورده است. ایشان می‌گوید:

«ألا تعجبون من إمام أخطأ وامرأة أصابت، فاضلت إمامكم فضلتها»

شرح نهج البلاغة؛ اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد
المدائني الوفاة: ٦٥٥ هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ١٤١٨ هـ - ١٩٩٨ م، الطبعة: الأولى

، تحقيق: محمد عبد الكريم النمري، ج ١، ص ١١٥

من در رابطه با واژه «قنطار» از «تهذيب اللغة» آورده‌ام که می‌گوید:

«ولا تجد العرب تعرف وزنه»

تهذيب اللغة؛ اسم المؤلف: أبو منصور محمد بن أحمد الأزهرى الوفاة: ٣٧٠ هـ، دار النشر: دار إحياء التراث

العربي - بيروت - ٢٠٠١ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عوض مرعب، ج ٩، ص ٣٠١

می‌گوید «قنطار» چیزی است که يك وزن بی حد و حصر دارد یعنی هرچقدر دادید، دیگر حد و حصری نداشته باشد، از آن تعبیر به قنطار می‌کنند. و واحدی هم ندارد. بعضی‌ها می‌گویند «قدر وزن مسك ثور ذهبا» «مسك»، پوست حیوان را می‌گویند. یعنی اگر چنانچه پوست يك گاوی را پر از طلا بکنند عرب به آن «قنطار» می‌گویند. «ابن منظور» در کتاب «لسان العرب» همین تعبیر را دارد.

«هو قدر وزن مسك ثور ذهبا»

لسان العرب؛ اسم المؤلف: محمد بن مكرم بن منظور الأفريقي المصري الوفاة: ٧١١، دار النشر: دار صادر

- بيروت، الطبعة: الأولى، ج ٥، ص ١١٩

«نووی» که از او به «فقيه الأمة» تعبیر می‌کنند، و شافعی است و کتاب «المجموع» ایشان جواهر شافعی‌ها است؛ یعنی مفصل‌ترین کتاب فقهی شافعی‌ها «المجموع» است که تقریباً ٢٧ - ٢٨ جلد است. اگر جدید چاپ بشود شاید ٧٠ - ٨٠ جلد بشود.

«نووی» کتابی به اسم «تهذیب الاسماء واللغات» دارد در آن جا تعبیر دارد بر این که «اوقیه» چیست؟ هزار دینار و بعضی‌ها هم گفتند هزار و دویست دینار. تمام این اقوال را می‌آورد و در آخر می‌گوید بعضی‌ها گفته‌اند: هشتاد هزار مثقال است و بعضی‌ها هفتاد هزار مثقال گفته‌اند و بعضی‌ها هم گفته‌اند چهل هزار مثقال است.

من این جا آورده‌ام يك دوازدهم رطل را «اوقیه» می‌گویند؛ یعنی يك رطل دوازده «اوقیه» است رطل دویست و چهارده گرم است. من حساب کردم يك «قنطار» مساوی با دو تن و تقریباً پانصد و شصت و هشت هزار گرم می‌شود.

یعنی يك «قنطار» با حسابی که آقایان دارند تقریباً مشهور بین اهل سنت است که دو تن و نیم می‌شود. اگر کسی این مقدار طلا مهریه زنش بکند حق ندارد از دستش پس بگیرد.

شما دقت کنید «آلوسی» خیلی قشنگ وارد شده است. ایشان یکی از علمای سرشناس اهل سنت است و الحق والانصاف اهل سنت بعد از «قرطبی» مفسری به این توانمندی ندیده است. «ابن کثیر» در تفسیرش فقط نقل اقوال کرده است، غیر از این که بعضی جاها می‌آید مغرضانه وارد می‌شود، چیز جدیدی ندارد و یا نو آوری ندارد. تاریخ وفات «ابن کثیر» ۷۴۴ است، «آلوسی» برای قرن سیزدهم ۱۲۷۰ است. «زرکلی» در کتاب شرح حال علمایشان در «الاعلام» می‌گوید:

«كان سلفي الاعتقاد»

الأعلام؛ زرکلی، خیر الدین بن محمود (م ۱۳۹۶)، دار العلم للملایین، چاپ پانزدهم، آیار، ۲۰۰۲ م؛ ج ۷،

ص ۱۷۶

ولی مرد مُلا است، تقریباً صوفی مذهب است و نو آوری هم در تفسیرش زیاد دارد، بعضی از نکات عرفانی که ایشان آورده، قبل از «آلوسی» کسی نیاورده است. نسبت به شیعه هم هرچه از دهنش در آمده گفته، علمای شیعه را گاهی گفته این‌ها کلب و خنزیر و زندق هستند. یعنی چیزی نمانده که به علمای شیعه بار نکرده باشد. اما با همه این‌ها در رابطه با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و صدیقه طاهره (سلام الله علیها) سنگ تمام گذاشته است. شما به «تفسیر آلوسی» جلد ۶ صفحه ۱۶۷، صفحه ۱۸۶ و صفحه ۱۹۳ مراجعه کنید، ببینید ایشان در رابطه با امیرالمؤمنین کولاک کرده است!

نسبت به صدیقه طاهره وقتی که ایشان را با زنان پیغمبر مقایسه می‌کند می‌گوید حضرت زهرا افضل از تمام زنان است و حتی از عایشه! بعد می‌گوید:

«أن فاطمة البتول أفضل النساء المتقدمات والمتأخرات من حيث أنها بضعة رسول الله»

بعد دلیل می‌آورد و می‌گوید:

«إذ البضعية من روح الوجود وسيد كل موجود لا أراها تقابل بشيء؟ وأين الثريا من يد المتناول؟ ومن هنا

يعلم أفضليتها على عائشة»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ۱۲۷۰هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۳، ص

۱۵۵

ایشان خیلی در این دو، سه جا قشنگ وارد شده است. در سوره آل عمران در جای که آیه:

(يا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)

و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.

سوره آل عمران (۳) آیه ۴۲

را می آورد این مطالب را مطرح می کند. امیدوارم که ان شاء الله صدیقه طاهره دستش را بگیرد ما بخیل نیستیم. این که به بزرگان ما هم فحش داده شاید بزرگان ما به خاطر حضرت زهرا (سلام الله علیها) از ایشان بگذرند. می گوید:

«والذي أميل إليه أن فاطمة البتول أفضل النساء المتدمات والمتأخرات»

نظر من این است که فاطمه برترین زنان است از حضرت هوا گرفته تا قیام قیامت!

چرا؟

«من حيث أنها بضعة رسول الله بل ومن حيثيات آخر أيضا»

بعد می گوید:

«وهذا سائغ على القول بنبوة مريم أيضا»

این که می گوئیم فاطمه «افضل النساء المتدمات» است، این قول، جاری است حتی اگر قائل به نبوت حضرت مریم باشیم.

چون تعدادی از اهل سنت معتقدند حضرت مریم مقام نبوت را داشت. چون واژه «اوحی» دارد. بعد این جمله اش جالب است:

«إذ البضعية من روح الوجود وسيد كل موجود لا أراها تقابل بشيء؟ وأين الثريا من يد المتناول؟»

خیلی قشنگ است. بعد می‌گوید:

«ومن هنا يعلم أفضليتها على عائشة»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين
السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٣، ص

١٥٥

يك تعبیری هم ایشان در رابطه با توسل انبیاء به نبی مکرم دارد که آن هم خیلی جالب و حرف خیلی زیبا و قشنگ است؛ یعنی به قدری حرفش در آن جا قشنگ است که من هر وقت عبارت ایشان را می‌گویم لذت می‌برم. و جواب محکمی است برای این وهابی‌ها که می‌گویند توسل شرك است.

البته در ذیل آیه:

(وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْئُولُونَ)

آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند!

سوره صافات (٣٧): آیه ٢٤

هم نکته زیبایی دارد و می‌گوید از تمام خلائق از حضرت آدم تا قیام قیامت از ولایت امیرالمؤمنین سوال می‌کند. می‌گوید: در قیامت یکی از چیزهای که از همه خلائق نه فقط امت پیغمبر، سوال می‌کنند، از ولایت علی ابن ابیطالب است! البته دیگران هم این را گفته‌اند.

این همان عبارتی است که عرض کردم آقایان دقت کنند خیلی قشنگ است، می‌گوید:

«فكل من عبد من دون الله تعالى من عيسى وعزير والملائكة عليهم السلام وسيلتهم إلى الله تعالى نبينا بل هو عليه الصلاة والسلام وسيلة سائر الموجودات والواسطة بينهم وبين الله تعالى في إفاضته سبحانه الوجود»

بعد دارد:

«وكان نبينا آدم بين الماء والطين وقد تلقى الأنبياء منه من وراء حجاب الأرحام والأصلاب»

تمام انبياء واسطه شان با خدای عالم نبی مکرم بوده است

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ١٥، ص

١٢٦

عزیزان دقت بکنند من فقط يك اشاره ای بکنم. ما اینها را طبقه بندی کردیم؛ یعنی کل بحثهای که ما اینجا داریم مثلا در رابطه با اهل بیت من برایش فولدری درست کردم، در داخل آن تقسیم بندی کردم «ولایت تکوینی»، «امامت»، «فضائل امیرالمؤمنین» اینهای که نیاز بوده به این صورت در آورده ام.

همچنین مطالبی که راجع به ائمه است اینها را در يك فولدر قرار دادیم. هرچه مطلب در رابطه با ائمه است یکجا قرار دادیم. بعد روی خلفاء آمديم و آن را در يك فولدر قرار دادیم و در داخلش «خلافت خلفاء»، «شهادت پیغمبر»، «اجتهاد اهل سنت»، «احراق المخالفين»، «فضائل و...» را قرار دادیم. در قسمت خلفاء هم ما «خلافت عمر»، «خلافت ابوبکر»، «خلافت عثمان»! آوردیم و مقایسه کردیم.

اگر ما مطالب را دسته بندی نکنیم فردا ما برویم از نو مطالعه کنیم بهتر از این است که به یادداشت هایمان مراجعه کنیم.

یکی از مراجع عظام معاصر - خدا او را حفظ کند - سال ۵۳ و یا ۵۴ بود که ما در «قم نو» يك منزل ۶۰ متری ساخته بودیم. ایشان يك روزی گفت من می‌خواهم به دیدن شما بیایم.

وقتی تشریف آورد گفت: من دو تا هدیه برای شما آورده‌ام. اولین هدیه من این است که شما صبح که بلند می‌شوی مثل بچه دبستانی‌ها، کاعذ و قلم بردار کل برنامه روزانهات را بنویس. نماز می‌خوانی بعد از نماز می‌خواهی مطالعه کنی، صبحانه بخوری، درس بروی، مطالعه کنی، همه را بنویس و ملتزم باش به آنچه که می‌نویسی عمل کنی!

بعد این تعبیرش خیلی جالب است گفت: اگر می‌خواهی ولّ هم بگرددی بنویس مثلاً ده تا یازده ولّگردی؛ ولی یازده به بعد، آن برنامه بعدی خودت را که یادداشت کردی انجام بده. گفت این هدیه اول است.

من از آن سال به این طرف به این برنامه ریزی ملتزم شدم. مثلاً من دیشب که می‌خواستم بخوابم کاغذی را برداشتم و نوشتم که فردا از صبح تا غروب چه کارهای انجام می‌دهم. همه را روی کاغذ یادداشت کردم. چون انسان وقتی می‌نویسد دقیق می‌داند می‌خواهد چه کار انجام بدهد. البته اگر مانع پیش آمد آن از «[ضرورة تقدر بقدرها](#)» است!

و وصیت و هدیه دوم؛ گفت: فلانی! این که در این دفترهای صد برگی و دویست برگی می‌نویسند، این خیانت به خود است. گفت: شما امروز به «پاساژ قدس» برو بیست، سی تا دفتر کلاسور بگیر بیاور. در آن زمان کامپیوتر نبود. وقتی که در رابطه فقه می‌خواهی یادداشت داشته باشی. پشت دفتر بنویس «فقه». بعد اگر مطلبت زیاد شد این را باز تقسیم بندی کن «فقه طهارت»، «فقه صلاة»، «فقه صوم»!

بعد در رابطه با امامت می‌خواهی تحقیق داشته باشی دفتر جداگانه به آن اختصاص بده و پشت آن بنویس «امامت». وقتی که مطلب می‌نویسی ولو يك سطر است در يك صفحه بنویس در آن قرار بده. بعد از يك سال، دو سال می‌بینید در يك موضوع به اندازه ای که يك کتاب تألیف کنید مطلب يك جا جمع شده است.

اگر این‌ها را در دفترهای متفرقه و صدفبرگی و دویست برگی بنویسید به تعبیر ایشان شما از نو بروید تحقیق کنید راحت‌تر و زودتر می‌توانید مطلب به دست بیاورید تا این‌که بروید دفتر صد برگه را ورق بزنید و جلو و عقب بروید تا مطلب را پیدا کنید!

الان کامپیوتر کار را خیلی راحت کرده است، و نرم افزار جستجوی «Everything» هم نعمتی است که شما راحت می‌توانید جستجو بزنید. الان من از این یازده هزار فایل که سرچ می‌زنم اصلا فرصت نمی‌دهد و سریع می‌آورد.

اخیرا يك سری برنامه‌های جدیدی آمده شما اگر در داخل فایل‌هایتان به اندازه ده ترابایت مطلب داشته باشید دنبال يك مطلبی می‌گردید و نمی‌دانید در داخل کدام فایل است، همین که سرچ می‌زنید، سریع برای شما می‌آورد.

بینید من الان واژه «غدیر» را سرچ می‌زنم اصلا فرصت نداد که من دستم را بردارم سریع آمد و صد تا صد تا می‌آورد هر صد تا را در يك صفحه می‌آورد. واژه «غدیر» در این فولدرها وجود دارد و جمله‌اش را هم برای شما می‌نویسد. خیلی راحت و بدون هیچ دردسری!

شما می‌بینید هرچه واژه «غدیر» بوده را آورده است. این‌ها صدتا صدتا است این‌که چند تا صدتا است الله اعلم! لذا الان از این امکانات ما باید استفاده کنیم تا وقت‌مان برای گردش تلف نشود. وقت‌مان را فقط به مطالعه کردن منحصر کنیم.

آقای «خزعلی» می‌گفت: زمان سابق کتاب‌های فقهای ما نه صفحه داشت و نه فهرست داشت؛ فقط آخر صفحه کلمه‌ای را می‌نوشتند که در صفحه بعدی بود. می‌گفت: ما بعضی وقت که می‌خواستیم در «مسالك شهید» يك مطلبی را پیدا کنیم دو ساعت می‌گشتیم و دو دقیقه مطالعه می‌کردیم! بعد این دو ساعت گشتن چه ما به ازایی برای آدم دارد؟ هیچی!

لذا در زمان سابق اگر يك نفر در ۲۰ تا ۲۵ سال مجتهد می‌شد، امروز با این امکانات در هفت، هشت سال باید به اجتهاد خوب برسد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته